

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

شنبه ۱۸ جنوری ۲۰۲۰

مرجان کمال

## برگشت به یادداشت های پراکنده

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت ششم

بر سینه می فشارمت، اما ندارمت  
تا صبح می شمارمت، اما ندارمت  
بر دیده می گذارمت، اما ندارمت  
در باغ دل بکارمت، اما ندارمت  
بر سر نگاه دارمت، اما ندارمت

ای آن که دوست دارمت، اما ندارمت  
ای آسمان من، که سراسر ستاره ای  
در عالم خیال خودم، چون چراغ اشک  
می خواهم ای درخت بهشتی، درخت جان  
می خواهم ای شگوفه ترین، مثل چتر گل



## منطقه ترکستان بعد از جنگ اول افغان و انگلیس:

تا به حکمروایی مرتبه دوم امیر دوست محمد خان منطقه ترکستان توسط خان های ازبک که از عدم موجودیت یک مرکز سیاسی جهت تصرف بالای منطقه استفاده نموده و به صورت نسبتاً غیر متمرکز منطقه را تحت کنترل خود داشتند. و از طرف دیگر محمدزایی ها در یک موقعیت نا

مطلوب و نا مساعد، به دلیل این که، از یک طرف بخارا که یک مرکز سیاسی بسیار مهم را تشکیل می داد حکمران ها و اولیای امور ترکستان از ارتباطات به آن ها مستفید می گردیدند، و از طرف دیگر روابط خویشاوندی و همچنین داشتن روابط بسیار قوی بین مذهبیین ترکستان و مؤسسات و تشکیلات مذهبی بخارا موجود بود.

در این اوضاع و شرایط برای خان های ترکستان، محمدزایی ها چهره های نو متجاوز گر را تشکیل داده که به مقابل آن باید مقاومت نمود. دوست محمد خان کوشش نمی کند که فعلاً این سیستم ارتباطات ضعیف، نزدیک به سیستم قبیلوی غیر متمرکز را بشکند.

فلهذا در این حالت نیز دیده می شود که عین روابط که بین دربار و قبایل پشتون موجود است در این جا به عین منوال می باشد، و ارزیابی نمودن سران محلات به ارتباط قوای حاضر، و تغییر شکل دادن سریع موازنه، در اوضاع این مناطق رول تعیین کننده را در انتخاب ستراتیژیکی بازیگران می داشته باشد.

در سال 1849 میلادی محمد زایی ها لشکر کشی در ترکستان غربی نمودند. رهبران منطقه چهارولایت ترکستان غربی در آن موقع از این عمل به حیث یک امتیاز در مقابل فشار های که توسط بخارا بالای بلخ تحمیل می شد و همچنان در مقابل پیشروی هرات در منطقه استقبال نمودند. محمد اکرم خان بلخ را تصرف کرد و خان های محلات برایش بعیت کردند، بدون این که استعداد داشته باشد که خود را به حیث یک چهره سیاسی - نظامی توانا تحمیل نماید.

با وجود آن سران و رهبران آچه، سر - ی پُل (Sar - e Pol)، شبرغان و اندخوی به صورت تدریجی آزادی خود را از دست می دهند. و محمدزایی ها موفق می شوند که یک سیستم حکومت داری غیر مستقیم که مؤقف شان را قوی بسازد، مستقر نمایند.

مأثور ها و فعالیت های نظامی فارس ها نشان دهنده یک منبع فشار دیگر بالای محلات می باشد. این فعالیت ها به تصرف نمودن هرات در سال 1857 - 1856 میلادی می انجامد. یک تعداد دیگر فعالیت ها در منطقه مرو (Merv) در ماه مارچ 1858 میلادی و یک تعداد دیگر در میمنه در ماه اکتوبر 1860 میلادی نیز موجود بود.

برعلاوه این دوره با امواج مهاجرت های ترکمن ها به طرف ترکستان افغانستان مشخص گردیده است.

قبایل ترکمن سارق (Sarèq) و ارساری (Ersari) به صورت بسیار قوی و بزرگ به قاچاق غلام از بین اهالی اصیل ترکستان افغانستان در بین سال های 1845 و 1880 میلادی سرمایه گذاری نمودند.

بر علاوه قبایل تک (Tekke) مقیم مرو و اکال (Akkal)، که بسیار مشهور به حملات و شبخون زدن بالای قلمرو فارس و در منطقه هرات بودند.

فعالیت های نظامی روس ها در سال 1873 میلادی علیه خیوه و بخارا باعث توقف حملات تک و شکست آن ها در سال 1881 میلادی گردید.

این تحول و دگرگونی باعث مهاجرت های بسیار عظیم ترکمن ها مخصوصاً در منطقه هرات گردید. در این اوضاع عمومی و بعد از تحت اطاعت آوردن اسمی قندوز و بدخشان توسط محمدزایی ها در سال 1849 میلادی انجامید، سردار محمد افضل خان به تصرف نظامی این دو منطقه بعد از سال 1858 میلادی پرداخت.

در منطقه ترکستان غربی، فعالیت های نظامی یار محمد خان در سال های 1840 میلادی و همچنان حملات ترکمن ها به صورت بسیار زیاد در فقیر شدن شهر ها سهم بود، و به احتمال قوی این همه سبب رجعت دوباره فعالیت های زراعتی و مالداري و نیمه کوچی شدن گردید.

در منطقه شمالی هژده نهر (Hijdah Nahr) رجعت به فعالیت های زراعتی و نیمه کوچی یک قرن قبل تر شروع گردیده بود، احتمالاً به دلیل انکشاف فعالیت های تجارتي و مخصوصاً گسترش صادرات اسپ به چین و به هند بوده است. بی ثباتی منطقه خصوصاً هنگام مواجهه شدن برای کنترل بلخ، این تمایل را شدت بخشید.

یک مثال از نتایج مخرب و ویرانگر مبارزه برای کنترل قلمرو در منطقه نیملیک (Nimlik) در نزدیکی بلخ نشان داده شده است که ساختمان ها از تهداب به واسطه حملات نظامی افراد مربوط به سردار محمد افضل خان تخریب گردید، تا بتوانند از مواد به دست آمده آن برای ساختن تأسیسات در مرکز وی در تخته پُل (Takhta Pol) استفاده نمایند.

بالاخره بلند رفتن نا امنی بالای سرک ها در تمام دوره حکمروایی امیر دوست محمد خان و شیرعلی خان، نتیجه به دست آمده از آن فروپاشی تجارت محلی بود.

با این همه اقتصاد منطقه در دراز مدت عمیقاً تغییر شکل نمود. قبل از فتح و تسخیر ترکستان توسط محمدزایی ها، تجارت محلی بسیار کم به عبور و مرور کاروان ها تعلق داشت. قسمت بزرگ تجارت با تبادلات اموال به اموال صورت می گرفت و اقتصاد بسیار کم، پولی بود.

با توسعه اقتدار سیاسی محمدزایی ها بازار محصولات محلی، محصولات زراعتی و مالداري به دلیل به وجود آمدن قشله های عسکری در مناطق بلخ، تخته پل، تاشقرغان، نهرین، دهدادی، روستاق و ینگى انکشاف نمود که سبب جلب نمودن تاجران از کوهستان، جلال آباد و شهر های مهم تر ترکستان گردیده و سبب ادغام مجموع مناطق در اقتصاد بازار گردید.

این تحول به همان اندازه که سودمند است به همان اندازه در تبادله مال التجاره اهمیت به سزای دارد زیرا در سر راه سرک های تجارتي که چین را به فارس ارتباط می دهد واقع بوده است. در سال 1863 میلادی تنها بدخشان و میمنه مستقل باقی می ماند، مناطق نو که تصرف شده است به حیث جاگیر (djâgir-s) در بدل پرداخت یک مقدار پول توسط پسران دوست محمد خان اداره می گردد.

امیر به صورت مستقیم توانایی کنترل سیاسی بالای قلمرو را نداشت. به این ترتیب سردار محمد افضل خان یک قدرت سیاسی شخصی در ترکستان خلق نمود که رول سرنوشت ساز را در نزاع و کشمکش ها در هنگام وراثت قدرت با برادر اندر هایش بازی نمود. با این همه لیدر شف نو، ادارات حکومتی را که توسط خان های ازبک به جا گذاشته شده بود، تخریب نمی کند.

قاضی ها از بین مردم محل انتخاب گردید و در سال 1863 میلادی از قاضی قندوز تقاضا گردید که رول میتنجی را بین ادارات حکومتی و مردم بازی نماید.

با وجود آن یک آشوب از طرف میر های اندراب در سال 1859 میلادی چنین فرضیه یی را وانمود می کند که اداره محمدزایی ها نیز می توانند مداخله گر باشد.

امیر عبد الرحمن خان بالای ترکستان شرقی در سال های 1860 میلادی حکومت نمود، رهبران محلی به حیث میانجی و بین الینى بین مردم محلات و حکومت برای سرپرستی امور اداری و اجرایی، مانند امور نظامی، آزادی منطقه در مقابل کابل ایفای وظیفه می کنند، به دلیل بسیار مهم که عبارت از مانع جغرافیایی می باشد که مانند یک سد توسط کوه های هندوکش، ترکستان را از پایتخت کابل جدا ساخته بود.

ادامه دارد